۱۹۱

سلسله درسهای عرفانی

هُوَ ۱۲۱

# گزیده‌هایی از بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم.

انسان وقتی می‌داند که از مادر زاییده شده، طبعاً به مادر و همچنین به پدر، انس و علاقه‌ای پیدا می‌کند یعنی یک نخ ارتباطی بین این دو پیدا می‌شود. همینطور آن پدر و مادر، به پدر و مادرِ خودشان. به این طریق هر انسانی با پدر و مادرش و جدّش و همه‌ی این رشته‌هایی که تا هر جا می‌رود، بسته به قدرت روحی‌اش، ارتباط و گاهی علاقه‌مندی دارد. این علاقه‌مندی استحکام جامعه را زیاد می‌کند و جامعه باید استحکام داشته باشد. استحکام جوامع بشری مورد اراده‌ی خداوند است و اگر کسی بر این استحکام لطمه بزند گناهکار است.

تمام گناهانی هم که در اجتماع هست و منع شده، نظم اجتماع را و آن رشته‌ی ارتباطی که بین هر کس با اجدادش هست، به هم می‌ریزد. این است که انسان نه تنها مسئول خودش است و نه تنها باید آبرومندیِ خودش را حفظ کند، آبروی پدر و مادرش، اجدادش، همه‌ی اینها به دست اوست. در شرایط خاصّی به جامعه اجازه داده‌اند که یک نفر را اعدام کند یعنی همان جانی را که خدا داده از او بگیرند. این با اجازه‌ی خداست ولی اگر غیر از آن باشد یعنی از طریق خودش و برای خودش بکند، خودش گناهکار است و باید مجازات شود. این است که مثلاً در جرائم، در گناهانی که می‌شمارند، یک گناه خودکشی است. اگر بخواهیم عامیانه و به‌صورتِ ظاهر بحث کنیم ممکن است بگوییم خدایا! تو که آخر او را می‌بری، حال که کمی زودتر آمده، این چه گناه دارد؟ ولی نه! گناه شدیدی است. به‌همین‌جهت تمام افکاری هم که به این راه می‌رسد، آنها هم گناه شدیدی است. وقتی کسی به دنیا آمد، خودش که نخواسته، اصلاً خودش آنوقت خواسته‌ای نداشته، بنابراین خودش هم ناچار است به آن الزامی که خداوند کرده و او را به دنیا آورده، رفتار کند یعنی موظّف است در این دنیا باشد. منتها خداوند هم لذّاتی برایش آفریده، برای اینکه در واقع مثل دانه که برای پرنده می‌ریزند، خداوند خواسته این انسانی را که آفریده، با آن جهاتی که گفته‌اند زنده باشد، زندگی کند و ضمناً زندگی‌اش با زندگی دیگران هم ارتباط داشته باشد.

تمام احکام حقوقی، شرعی یک حکمتی دارد. به یک زن باردار، زن حامله‌ای، کسی حمله کند و او کشته بشود و یا کشته نه، لطمه‌ای ببیند به اینکه حملش از بین برود و بعد خودش هم یا زنده بماند یا بمیرد. اینجا دو تا دیه دارد: یکی آن موجودی که هنوز به دنیا نیامده ولی خداوند می‌گوید: من قرار داشتم که او را هم به دنیا بیاورم، تو او را از بین بردی (یک دیه)، یک دیه هم دیه‌ی خود زن.

اینکه گفته‌اند در مورد پدر و مادر دعا کنید یا از دعاهایی که می‌گویند مستجاب می‌شود دعای فرزند است در حقّ پدر و مادر یا دعای پدر و مادر در مورد فرزند، اینها به‌واسطه‌ی احترامی است که خداوند به آن نخ ارتباطی داده که بین فرزند و پدر و مادر هست که آن علقه و آن محبّت است.

در مورد مسأله‌ی آبرومندی و آبروداریِ فرزند نسبت به اجداد خودش، در واقع فکر کنید که آبروی پدر و مادر و جدّتان و آبروی اجدادتان اینها همه به دست شما است، کما اینکه نیک‌نامیِ آنها هم به دست شما است یا به دست فرزندتان. غیر از اینکه خداوند به شخص شما پاداش می‌دهد یا مجازات می‌کند، دیگران را هم برای خاطر شما مجازات می‌کند یا پاداش می‌دهد. (برگرفته از گفتارهای عرفانی صبح شنبه، تاریخ ۱۳۹۵/۲/۱۱، جلسه خواهران ایمانی)

*****

خیلی متشکّرم از خانم‌ها و آقایان [پزشکان] و ان‌شاءالله به این اندازه طبیب، پزشک و امثال آن حاضر هستند، ما باید دیگر بیماری نداشته باشیم ولی معلوم می‌شود که چون بیماری زیاد است، طبیب زیاد شده یا چون طبیب زیاد است، بیماری زیاد شده، فرق نمی‌کند هر طور بگوییم.

از فرمایشات پیغمبر، مشهور است که وقتی پیغمبر ظاهراً حکومت را هم در دست داشت طبیبی آمد و بعد از مدّتی حالا یا پیغمبر سؤال کرد یا خودش آمد خدمتشان، گفتند: کار و بارت چطور است؟ گفت: من اینجا کار و باری ندارم، هیچکس نمی‌آید، فرمودند: ما فقط این آیه را اجرا می‌کنیم؛ کمتر مریض می‌شویم، دیگر مریض نمی‌شویم: کُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لاٰ تُسْرِفُوا (سوره اعراف، آیه ۳۱) بخورید، بیاشامید و اسراف نکنید. حالا راجع به همین هم اگر صحبت بکنید، خیلی خوب است، فرمایش پیغمبر است. من خودم تا یک حدّ مختصری امتحان کردم، مدّتی است این دستور را اجرا می‌کنم و الحمدلله کمتر مریض می‌شوم. این هم که الان مریضم، بیماری نیست، اینها مقتضیِ سن است. سن که بیشتر می‌شود بالاخره آهن و فولاد هم که به هم مالیده بشود، ساییده می‌شود، از بین می‌رود. حالا اگر شما هم تجربه‌ای دارید زیادتر یا کمتر، بفرمایید.

**دکتر: من یک دوره‌ای گذراندم که مثلاً ده روز بود و فقط با روزی یک لیوان آب و یک قاشق ماست سپری کردم. این نشان می‌دهد که انرژیِ فکرِ ما وقتی روی جسم متمرکز باشد، ما نیاز به چیزی نداریم.**

به‌این‌طریق من اینطور استنباط کردم که گرسنگی همگام با رضایتِ خاطر مفید است ولی گرسنگی همگام با عناد و ناراحتی، قاعدتاً مضر باید باشد. این درست است. پس شکرگزاری در واقع خودش یک غذا است. گرسنگی هم پس با شرایطی مفید است. این تجربیات موجب شده که چندین رشته‌ی طبّی پیدا شود، مثل آب‌درمانی. در مورد آب‌درمانی تا حدّی من خودم امتحان کردم، یک مقداری مؤثّر است، مفید است. آب‌درمانی و خیلی از این اسم‌هایی که من نمی‌دانم.

امساک را بطور کلّی من خودم هم تا حدّ زیادی موافقم؛ به این معنی که وقتی غذا می‌خورم نمی‌دانم چطور است که حس می‌کنم که همین‌قدر کافی است ولی هنوز اشتهایم سر جایش باقی است. این کار را می‌کنم ولی گاهی اوقات به‌قولی ناخُنک به غذا می‌زنم و ترک کردنش برایم سخت است گاهی واقعاً و بعضی اوقات هم ملزم هستم. مثلاً کسی شیرینی می‌آورد، برای خاطر او می‌خورم و آنوقتی که اینطور سببی دارد که این سبب خودش می‌تواند مورد هدف باشد، آنوقت ضرر نمی‌دهد یعنی کمتر ضرر می‌دهد ولی سایر اوقات امساک می‌کنم و به اندازه می‌خورم و یکی هم اینکه ما می‌گوییم «دِهَم‌خوری»، درهم‌خوری. برای ما می‌گفتند این «دِهَم‌خوری» خیلی بد است یعنی غذا که خوردیم دیگر چیزی نمی‌خوریم، جز زمستان یک‌خرده آجیل در جیب‌مان می‌ریختند که زمستان

سرد است بخوریم ولی اینطوری نبود که هر چه ببینیم بخوریم. امساک عادت‌مان شده بود و این خیلی خوب است.

آقای دکتر سالاری هم‌ولایتی ما اهل بیدخت است و اینکه از ایشان تعریف می‌کنم به این جهت است که با وجود اینکه هر کسی دکتر می‌شود بلند می‌شود و به تهران می‌آید و اگر دستش برسد از تهران بلند می‌شود می‌رود پاریس یا جای دیگر ولی ایشان وقتی دکتر شدند همان بیدخت ماندند و قلم‌شان و قدم‌شان الحمدلله خوب است.

**دکتر: فرمودید باید کم بخوریم. این روزها اضافه وزن و به تبع آن بیماری‌هایی مثل دیابت و فشارخون مشکل تمام جهان است. یکی از مسائلی که خیلی مشکل‌تر شده، اضافه وزنی است که بچّه‌ها دارند. این در سنینی است که نمی‌شود به بچّه‌ها گفت امساک کن و لذا دچار اضافه وزن می‌شوند. آیا باید به زور گفت نخورید؟**

قاعدتاً هیچ روشی نیست جز اینکه پدر و مادر همانطوری که می‌خواهند بچّه‌شان باشد، خودشان همانطور باشند. بطور کلّی در تربیت فرزند هر چه را می‌خواهید به فرزند یاد بدهید، خودتان آنطور باشید. این را من تا حدّ زیادی آنوقت‌هایی که بچّه‌هایم کوچک بودند، رعایت می‌کردم و الان می‌بینم نوه‌هایم هم نسبتاً از بچّه‌های امروزی بیشتر، این را رعایت می‌کنند. قاعدتاً پدر و مادر، چاره‌ی دیگری ندارند چون در مقابل نخوردن و امساک که این فایده را دارد، الزام و اجبار به امری هم ضرر دارد. گاهی اوقات آن ضررش حتّی بیشتر از این است. اگر هم زیاد بخورند ضرر عمده‌ای هم برای آنها ندارد، یک چیز اضافی است. در بهداشت اقلیم هم خیلی مؤثّر است. مثلاً در گنابادِ ما که دارای هوای خشک و گرم است یک نحوه باید رفتار کرد، در هوای ملایم مثل مازندران یا گیلان، یک‌طور دیگر، این هم خیلی مؤثّر است.

این عبارت از قدیم چه اطبّاء چه غیر اطبّاء آیه‌ی قرآن را می‌گفتند که مِنَ الْماءِ کُلَّ شَیءٍ حَی (سوره انبیاء، آیه ۳۰)، از آب هر چیزی زنده است. در تابستان جاهایی مثل منطقه‌ی ما، آب خوردن مهمتر از غذا خوردن است منتها خود آن هم بهداشتی دارد. وقتی آدم تشنه است و آب می‌خورد، یک‌مرتبه یک کوزه آب می‌خورد. در اینجا یک لیوانِ نصفه آب می‌خورد، تشنگی‌اش رفع می‌شود. در آنجا آنوقت باید امساک کرد و بهداشت آب خوردن را رعایت کرد. شاید اینکه هر چند وقتی یک‌بار می‌شود که زراعت‌ها کم می‌شود، خواروبار کم می‌شود، یک‌خرده به‌اصطلاح گرسنگی بر مردم تحمیل می‌شود، برای این است که یاد بگیرند گرسنه باشند؛ امّا این چنین گرسنگی آن اثر امساک را ندارد. امساک عبارت است از انجام ارادیِ یک عملی که مخالفِ مقتضیات ظاهریِ نفس است. بطور طبیعی اگر انسان‌ها زندگی کنند، هر چه بدنشان کم دارد به آن اشتها پیدا می‌کنند که بخورند. من خودم تا یک حدّی امتحان کردم. وقتی که مثلاً اسیداوریک به خیال خودم در خونم زیاد می‌شود، بدون اینکه بفهمم، آب زیاد می‌خورم، بیشتر تشنه می‌شوم و وقتی که نیروی غذایی‌ام کم است، زیاد گرسنه می‌شوم. مثلاً من قبلاً بعضی مربّاها را خیلی دوست داشتم ولی از وقتی که آزمایش کردم (حالا نمی‌دانم اثر روانی است یا بدنی) معلوم شده یک‌خرده آن میزانِ قند خونم از آن درجه بیشتر نشان می‌دهد، میلم به مربّا و شیرینی کم شده، فقط یک میل از شیرینی‌ها مانده و آن شیرینی خامه‌ای است که نمی‌دانم چطور شده که این فسخ نشده یعنی نقش اراده در تمایلات است. تمایلات قاعدتاً ذیلِ

اراده است یعنی در تحتِ اراده قرار دارد نه اینکه اراده، تحت آن قرار دارد ولی در بعضی موارد اینطور می‌شود. حالا در انسان چون اراده، مسبوق به تعقّل است، اگر از لحاظ طبّی هم بکوشیم که اراده‌ی ما بر تمام چیزها تسلّط پیدا کند، خیلی خوب است. آنوقت انسان خودش طبیبِ خودش هم می‌تواند باشد. این حالا یک نیم‌نظریّه‌ی نیم‌پخته است. باید ببینیم که چطوری اراده‌مان را تقویت کنیم تا بر همه چیز تسلّط داشته باشیم.

**دکتر: تعریف سلامتی عبارت از این است که تعامل سلامتی جسمی، روحی، شغلی، آب و هوایی و... باشد و در غیر این صورت می‌شود بیماری و اگر می‌خواهید بیماری‌ها را کم کنید باید انسان‌ها را توانمند کنید که بتوانند از خودشان محافظت کنند.**

درست است. من توضیحی که خودم فکر می‌کنم در موردش می‌دهم. اراده و افکار هم از همین بدن ناشی می‌شود. بدن اگر مریض باشد، افکار مریض است منتها ما اگر بدن را به‌اندازه‌ی کافی، به‌اندازه‌ی ضروری، نیرومند کنیم، به شرط اینکه این نیرومندی ادامه نداشته باشد که یک قدم که جلو می‌رویم نیرومندش کنیم، قدم دوّم هم برویم جلو. بلکه با این یک قدم که می‌رویم، قدرت، اراده، شعور نیز ایجاد کند نه اینکه یک قدم یا دو قدم برویم جلو و صرفاً بدن ما تقویت بشود. باید به همان اندازه که بدن تقویت می‌شود، خود بدن به یک معانی بدل گردد الان با هر کسی که صحبت می‌کنیم، نمی‌دانیم طرف چقدر نیرومند است. آیا اگر با من کشتی بگیرد مغلوب می‌شود یا من را زمین می‌زند. بدانیم که هر کسی همان اندازه‌ای که نیرومند به نظر می‌رسد، همان اندازه هم نیرومند است.

امساک هم که گفته شد، نه اینکه نیرو را ضعیف کند. امساک در آن حد که نیرویی که الان هست، زیاد نکند. زیادتر را بگذارد با طبیعتش باشد یعنی یک جوان هفده، هجده ساله نگوید که من الان باید مثل تختی زورمند باشم. برود به همان سنِّ خودش، تختیِ زمانِ خودش باشد. به همان اندازه‌ای که اقتضای سنّ اوست به همان اندازه هم نیرومند بشود. (برگرفته از گفتارهای عرفانی عصر شنبه، تاریخ ۱۳۹۵/۲/۱۱، جلسه پزشکان)

بیانات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه) شامل: جزوات گفتارهای عرفانی/ شرح رساله شریفه پندصالح/ شرح فرمایشات حضرت سجاد علیه‌السلام (شرح رساله حقوق)/ شرح فرمایشات حضرت صادق علیه‌السلام (تفسیر مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة)/ جزوات موضوعی (درباره‌ی استخاره، خانواده، حقوق مالی و عشریه، دعا، خواب و رویا، بیماری و شفا، روح، شیطان، آداب حضور در مجلس فقری، امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر، مصافحه، عشق)/ جزوات رفع شبهات با گزیده‌هایی از بیانات/ جزوات پرسش و پاسخ با گزیده‌هایی از بیانات/ مکاتیب عرفانی (مجموعه‌ی پاسخ به نامه‌ها)/ مجموعه دستورالعمل‌ها و بیانیه‌ها/ شرح و تفسیر برخی از آیات قرآن کریم/ گفت وگوهای عرفانی (مجموعه‌ی مصاحبه‌ها) منتشر شده است.
جهت سفارش و دریافت جزوات از طریق شماره تلفن ۰۹۱۲ ۵۸۳ ۸۲۴۲ و یا سایت WWW.JOZVEH121.COM اقدام فرمایید. همچنین برای دریافت گزیده‌هایی از بیانات می‌توانید به کانال jozveh121@ در برنامه‌ی تلگرام بپیوندید.